بسم الله الرحمن الرحیم

انقلاب در برابر گروهک‌ها

بررسی تاریخچه سیاسی گروهک‌های معاند و مخالف نظام در دهه ۱۳۶۰

به قلم:

محمد جواد اخوان

اندیشکده برهان

قُلْ هاتُوا بُرهانَکُمْ اِن کُنتُمْ صادِقین

www.BORHAN.ir

سرشناسه : اخوان، محمدجواد، ۱۳۶۶ -
عنوان و نام پدیدآور : انقلاب در برابر گروهک‌ها: بررسی تاریخچه سیاسی گروهک‌های معاند و مخالف نظام در دهه ۱۳۶۰/ به قلم محمدجواد اخوان؛ [برای] اندیشکده برهان.
مشخصات نشر : تهران: دیدمان، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری : ۱۶۶ ص.؛ ۱۴/۵×۲۱/۵ س‌م.
شابک : ۹-۹-۹۷۲۷۵-۶۰۰-۹۷۸
وضعیت فهرست نویسی : فیپا
یادداشت : کتابنامه:ص. [۱۶۲] - ۱۶۶.
عنوان دیگر : بررسی تاریخچه سیاسی گروهک‌های معاند و مخالف نظام در دهه ۱۳۶۰.
موضوع : ضد انقلاب و ضد انقلابیون -- ایران
موضوع : Counterrevolutionaries -- Iran
موضوع : حزب‌های سیاسی -- ایران
موضوع : Political parties -- Iran
موضوع : ایران -- تاریخ -- جمهوری اسلامی، ۱۳۵۸ - ۱۳۶۸
موضوع : Iran -- History -- Islamic Republic, ۱۹۷۹ - ۱۹۸۹
رده بندی کنگره : ۱۳۹۷ ۸الف۳الف/DSR۱۶۵۹
رده بندی دیویی : ۹۵۵/۰۸۳۰۷۲
شماره کتابشناسی ملی : ۵۲۹۵۳۳۱

اندیشکده برهان
قل هاتوا برهانکم ان کنتم صادقین
www.BORHAN.ir

انتشارات دیدمان

عنوان: انقلاب در برابر گروهک‌ها
نویسنده: محمدجواد اخوان
شابک: ۹-۹-۹۷۲۷۵-۶۰۰-۹۷۸
نشر: دیدمان
تاریخ انتشار: زمستان ۱۳۹۸
نوبت چاپ: اول
شمارگان: ۲۰۰
قیمت: ۳۳۰۰۰ تومان

www.DidemanBook.ir
www.BORHAN.ir
info@borhan.ir

تهران، چهارراه شهید لواسانی، خیابان بوستان،
کوچه نسترن، پلاک ۳۲، واحد ۴

تلفن: ۰۲۱-۲۶۱۵۳۲۹۱
پیامک: ۱۰۰۰۰۲۸۷

این کتاب با کاغذ حمایتی منتشر شده است.

کلیه حقوق این اثر متعلق به «اندیشکده برهان» است و هرگونه نقل مطالب از آن صرفاً با ذکر منبع مجاز است.

فهرست

مقدمه..... ۱۰

جبهه ملی ۱۳

نهضت آزادی ایران ۲۷

جنبش مسلمانان مبارز..... ۵۳

آرمان مستضعفین (سازمان رزمندگان پیشگام مستضعفین ایران) ۶۵

روند جدائی..... ۶۹

موحدین انقلابی ۷۱

حزب توده ایران ۷۳

سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران ۹۹

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر..... ۱۲۵

حزب رنجبران..... ۱۳۷

سازمان «راه کارگر»..... ۱۴۳

حزب دمکرات کردستان ایران ۱۵۳

کومله (سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان) ۱۶۱

اتحادیه کمونیست‌های ایران..... ۱۶۵

اتحاد چپ ۱۶۹

کتابنامه ۱۷۱

از وصایای حضرت روح اللّه (قدس اللّه نفسه الزکیه)

نصیحت و وصیت من به گروهها و گروهکها و اشخاصی که در ضدیت با ملت و جمهوری اسلامی و اسلام فعالیت می‌کنند، اول به سران آنان در خارج و داخل، آن است که تجربه طولانی به هر راهی که اقدام کردید و به هر توطئه‌ای که دست زدید و به هر کشور و مقامی که توسل پیدا کردید به شماها که خود را عالم و عاقل می‌دانید باید آموخته باشند که مسیر یك ملت فداکار را نمی‌شود با دست زدن به ترور و انفجار و بمب و دروغ پردازیهای بی‌سر و پا و غیر حساب شده منحرف کرد، و هرگز هیچ حکومت و دولتی را نمی‌توان با این شیوه‌های غیر انسانی و غیر منطقی ساقط نمود، بویژه ملتی مثل ایران را که از بچه‌های خردسالش تا پیرزنها و پیرمردهای بزرگسالش، در راه هدف و جمهوری اسلامی و قرآن و مذهب جانفشانی و فداکاری می‌کنند. شماها که می‌دانید (و اگر ندانید بسیار ساده‌لوحانه فکر می‌کنید) که ملت با شما نیست و ارتش با شماها دشمن است. و اگر فرض بکنید با شما بودند و دوست شما بودند، حرکات ناشیانه شما و جنایاتی که با تحریك شما رخ داد آنان را از شما جدا کرد و جز دشمن تراشی کار دیگری نتوانستید بکنید.

من وصیت خیرخواهانه در این آخر عمر به شما می‌کنم که اولاً با این ملت طاغوتزده رنج کشیده که پس از ۲۵۰۰ سال ستمشاهی با فدا دادن بهترین فرزندان و جوانانش خود را از زیر بار ستم جنایتکارانی همچون رژیم پهلوی و جهانخواران شرق و غرب نجات داده به جنگ و ستیز برخاسته‌اید. چطور وجدان یك انسان هر چه پلید باشد، راضی می‌شود برای احتمال رسیدن به یك مقام با میهن خود و ملت خود اینگونه رفتار کند و به کوچك و بزرگ آنها رحم نکند؟ من به شما نصیحت می‌کنم دست از این کارهای بی فایده و غیر عاقلانه بردارید و گول جهانخواران را نخورید. و در هر جا هستید اگر به جنایتی دست نزدید به میهن خود و دامن اسلام برگردید و توبه کنید که خداوند ارحم الراحمین است؛ و جمهوری اسلامی و ملت از شما ان‌شاءالله می‌گذرند. و اگر دست به جنایتی زدید که حکم خداوند تکلیف شما را معین کرده، باز از نیمه راه برگشته و توبه کنید. و اگر شهامت دارید تن به مجازات داده و با این عمل خود را از عذاب الیم خداوند نجات دهید؛ والاّ در هر جا هستید عمر خود را بیش از این هدر

ندهید و به کار دیگر مشغول شوید که صلاح در آن است.

و بعد، به هواداران داخلی و خارجی آنان وصیت می‌کنم که با چه انگیزه جوانی خود را برای آنان که اکنون ثابت است که برای قدرتمندان جهانخوار خدمت می‌کنند و از نقشه‌های آنها پیروی می‌کنند و ندانسته به دام آنها افتاده‌اند به هدر می‌دهید؟ و با ملت خود در راه چه کسی جفا می‌کنید؟ شما بازی خوردگان دست آنها هستید. و اگر در ایران هستید به عیان مشاهده می‌کنید که توده‌های میلیونی به جمهوری اسلامی وفادار و برای آن فداکارند؛ و به عیان می‌بینید که حکومت و رژیم فعلی با جان و دل در خدمت خلق و مستمندان هستند؛ و آنان که به دروغ ادعای «خلقی» بودن و «مجاهد» و «فدایی» برای خلق می‌کنند، با خلق خدا به دشمنی برخاسته و شما پسران و دختران ساده‌دل را برای مقاصد خود و مقاصد یکی از دو قطب قدرت جهانخوار به بازی گرفته و خود یا در خارج در آغوش یکی از دو قطب جنایتکار به خوشگذرانی مشغول و یا در داخل به خانه‌های مجلل تیمی با زندگی اشرافی، نظیر منازل جنایتکارانی بدبخت به جنایت خود ادامه می‌دهند و شما جوانان را به کام مرگ می‌فرستند.

نصیحت مشفقانه من به شما نوجوانان و جوانان داخل و خارج آن است که از راه اشتباه برگردید؛ و با محرومین جامعه که با جان و دل به جمهوری اسلامی خدمت می‌کنند متحد شوید؛ و برای ایران مستقل و آزاد فعالیت نمایید تا کشور و ملت از شرّ مخالفین نجات پیدا کند، و همه با هم به زندگی شرافتمندانه ادامه دهید. تا چه وقت و برای چه گوش به فرمان اشخاصی هستید که جز به نفع شخصی خود فکر نمی‌کنند و در آغوش و پناه ابرقدرتها با ملت خود در ستیز هستند و شما را فدای مقاصد شوم و قدرت‌طلبی خویش می‌نمایند؟ شما در این سالهای پیروزی انقلاب دیدید که ادعاهای آنان با رفتار و عملشان مخالف است و ادعاها فقط برای فریب جوانان صاف دل است. و می‌دانید که شما قدرتی در مقابل سیل خروشان ملت ندارید و کارهایتان جز به ضرر خودتان و تباهی عمرتان نتیجه‌ای ندارد. من تکلیف خود را که هدایت است ادا کردم. و امید است به این نصیحت که پس از مرگ من به شما می‌رسد و شائبه قدرت طلبی در آن نیست گوش فرا دهید و خود را از عذاب الیم الهی نجات دهید. خداوند منان شما را هدایت فرماید و صراط مستقیم را به شما بنماید.

وصیت من به چپ گرایان، مثل کمونیستها و چریکهای فدایی خلق و دیگر گروهها[ی] متمایل به چپ، آن است که شماها بدون بررسی صحیح از مکتبها و مکتب اسلام نزد کسانی که از مکتبها و خصوص اسلام اطلاع صحیح دارند، با چه انگیزه خودتان را راضی کردید به مکتبی که امروز در دنیا شکست خورده رو آورید و چه شده که دل خود را به چند «ایسم» که محتوای آنها پیش اهل تحقیق پوچ است خوش کرده‌اید؟ و شما را چه انگیزه‌ای وادار کرده که

می‌خواهید کشور خود را به دامن شوروی یا چین بکشید؛ و با ملت خود به اسم «توده دوستی» به جنگ برخاسته یا به توطئه‌هایی برای نفع اجنبی به ضد کشور خود و توده‌های ستمدیده دست زدید؟ شما می‌بینید که از اول پیدایش کمونیسم مدعیان آن دیکتاتورترین و قدرت‌طلب و انحصارطلبترین حکومتهای جهان بوده و هستند. چه ملتهایی زیر دست و پای شوروی مدعی طرفدار توده‌ها خُرد شدند و از هستی ساقط گردیدند. ملت روسیه، مسلمانان و غیر مسلمانان، تاکنون در زیر فشار دیکتاتوری حزب کمونیست دست و پا می‌زنند و از هر گونه آزادی محروم و در اختناق بالاتر از اختناقهای دیکتاتورهای جهان به سر می‌برند. استالین، که یکی از چهره‌های به اصطلاح «درخشان» حزب بود، ورود و خروجش را و تشریفات آن و اشرافیت او را دیدیم. اکنون که شما فریب خوردگان در عشق آن رژیم جان می‌دهید، مردم مظلوم شوروی و دیگر اقمار او چون افغانستان از ستمگریهای آنان جان می‌سپارند، و آنگاه شما که مدعی طرفداری از خلق هستید، بر این خلق محروم در هر جا که دستتان رسیده چه جنایاتی انجام دادید و با اهالی شریف آمل که آنان را به غلط طرفدار پر و پا قرص خود معرفی می‌کردید و عده بسیاری را به فریب به جنگ مردم و دولت فرستادید و به کشتن دادید، چه جنایتها که نکردید. و شما «طرفدار خلق محروم» می‌خواهید خلق مظلوم و محروم ایران را به دست دیکتاتوری شوروی دهید و چنین خیانتی را با سرپوش «فدایی خلق» و طرفدار محرومین در حال اجرا هستید، منتها «حزب توده» و رفقای آن با توطئه و زیر ماسك طرفداری از جمهوری اسلامی، و دیگر گروهها با اسلحه و ترور و انفجار.

من به شما احزاب و گروهها، چه آنان که به چپگرایی معروف ـ گرچه بعضی شواهد و قرائن دلالت دارد که اینان کمونیست امریکایی هستند ـ و چه آنان که از غرب ارتزاق می‌کنند و الهام می‌گیرند و چه آنها که با اسم «خود مختاری» و طرفداری از کرد و بلوچ دست به اسلحه برده و مردم محروم کردستان و دیگر جاها را از هستی ساقط نموده و مانع از خدمتهای فرهنگی و بهداشتی و اقتصادی و بازسازی دولت جمهوری در آن استانها می‌شوند، مثل حزب «دموکرات» و «کومله» وصیت می‌کنم که به ملت بپیوندند. و تاکنون تجربه کرده‌اند که کاری جز بدبخت کردن اهالی آن مناطق نکرده‌اند و نمی‌توانند بکنند، پس مصلحت خود و ملت خود و مناطق خود آن است که با دولت تشریك مساعی نموده و از یاغی‌گری و خدمت به بیگانگان و خیانت به میهن خود دست بردارند و به ساختن کشور بپردازند و مطمئن باشند که اسلام برای آنان هم از قطب جنایتکار غرب و هم از قطب دیکتاتور شرق بهتر است و آرزوهای انسانی خلق را بهتر انجام می‌دهد.

رهبر معظم انقلاب اسلامی، حضرت امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)

انقلاب‌اسلامی با آن عظمت پیروز شد. مردم آمدند با تن‌های خودشان، با جسم‌های بی‌پناه و بی‌زره خودشان در مقابل سلاح عوامل رژیم جبار ایستادند و انقلاب را پیروز کردند؛ بعد همین مردم آمدند به جمهوری اسلامی رأی دادند و جمهوری اسلامی را انتخاب کردند. خوب، یک انسان باانصاف و باشرف، در مقابل این خواست مردم چه می‌کند؟ بعضی‌ها آمدند وسط میدان، ادعای طرفداری از مردم کردند، خودشان را دموکراتیک خواندند، خودشان را طرفدار خلق معرفی کردند؛ آن‌وقت با همین خلقی که این نظام را با این بهای سنگین سر کار آورده بودند، شروع کردند به مقابله کردن. تویشان منافق بود، کافر صریح بود، طرفدار غرب بود، متظاهر به دین هم بود؛ همه‌ی این‌ها باهم شدند یک جبهه، یک حرکت، در مقابل نظام اسلامی، در مقابل ملت ایران. ادعای طرفداری از مردم کردند، با مردم درافتادند؛ ادعای طرفداری از دموکراسی و آراء مردم کردند، با آراء مردم و نتیجه‌ی آراء مردم درافتادند؛ ادعای روشنفکری و آزاداندیشی و آزادفکری کردند، به‌طور متحجرانه چهارچوب‌های القائی متفکرین غربی را - که آمیخته‌ی به بدخواهی و بددلی بود - قبول کردند؛ آمدند مقابل ملت ایران. اول با حرف‌های روشنفکرانه یا شبه‌روشنفکرانه شروع کردند به امام و به جمهوری اسلامی و به مبانی امام اعتراض کردن، انتقاد کردن، حرف زدن؛ بعد یواش‌یواش رودربایستی را کنار گذاشتند، آمدند توی میدان، مبارزه‌ی فکری را، مبارزه‌ی سیاسی را تبدیل کردند به مبارزه‌ی مسلحانه یا اغتشاشگری - این‌ها توی کشور ما اتفاق افتاد؛ مال تاریخ نیست، مال همین دهه‌ی اول انقلاب است - شروع کردند مزاحمت کردن. به‌جای اینکه بنشینند فکر کنند، ببینند مشکلات کشور چیست - این‌همه مشکلات متوجه کشور ما بود؛ مقداری از گذشته مانده بود، مقداری را تحمیل می‌کردند - به حل این مشکلات کمک کنند، به مسئولین کمک کنند، اگر به نظرشان می‌رسد که باید راهنمایی کنند، راهنمایی کنند، اگر زیر یک باری را باید بگیرند، به‌جای اینکه بگیرند، افتادند سینه‌به‌سینه شدن، معارضه کردن، بدگوئی کردن؛ بعد هم هر جا توانستند، با

مردم مواجه‌شدن، در بخش‌های مختلف. کشور در مرزها درگیر جنگ بود، به جنگ هم بی‌اعتنائی کردند؛ داخل همین خیابان‌های تهران، سر هر چهارراهی که توانستند، سر هر گذری که دستشان رسید، بنا کردند با جمهوری اسلامی و با نظام مقابله کردن.

دیدار مردم مازندران در سالگرد حماسه شش بهمن، ۱۳۸۸/۱۱/۰۶

تقدیم به احیاگر اسلام ناب در عصر معاصر

حضرت روح‌الله (قدس الله نفسه الزکیه)

خمینی کبیر

و فرزندان معنوی‌اش

شهدای به‌خون‌خفته

آلاله‌های کربلای ایران

که لحظه‌ای در اطاعت از امام خویش درنگ نکردند!

مقدمه

انقلاب اسلامی ایران را باید ثمره حرکت مستمر امام خمینی (ره)، روحانیت مبارز و پیروی امت مسلمان از راه اسلام ناب و خط قرآن در مقابله با طاغوت دانست. این حرکت از حیث مبانی نظری و نیز نیروهای موثر در آن در تاریخ معاصر و بلکه انقلابات جهان بی سابقه و بی بدیل است.

تا پیش از وقوع انقلاب اسلامی، جهان معاصر با مفهومی به نام خیزش دینی بیگانه بود و اصولا تحلیلهای ماتریالستی جامعه شناختی منکر هرگونه احتما نقش آفرینی دین در تحولات سیاسی اجتماعی معاصر و آینده و می شدند. اما انقلاب اسلامی روایت تازه ای از تزریق خون دینی در شریان های دنیا تجددزده پس از رنسانس بود. تا پیش از آن اصولا خیزش های اجتماعی سیاسی با محوریت تفکر چپ و گرایشهای رادیکال مارکسیستی آغاز و دنبال می شد و محوریت دین امر تازه ای بود که درک و هضم آن بر بسیاری از تحلیلگران خارجی و داخلی ناممکن می نمود.

اولین جرقه های نهضت در فضایی کاملا دینی و از بستر حوزه های علمیه و به رهبری امام (ره) خورد و استمرار و بازیابی نهضت در سال ۱۳۵۶ نیز در اثر روشنگری های امام(ره) و با توجه به گرایش مذهبی ملت ایران رقم خورد.

در عین حال مخالفین رژیم شاه، تنها به جریان خط امام و روحانیون مبارز محمدود نمی شد. طیفی وسیع از گروه و احزاب با مبانی فکری و گوناگون و متضاد و البته و انگیزه ها و روش های مختلف خود را در سلک مخالفین رژیم ستمشاهی

می دانستند. در یک سوی این طیف احزاب و جریانات چپ گرایی قرار داشتند که روش مبارزه را در بهره گیری از تضادها و دیالکتیک مارکسیستی جستجو می کردند. این گروهها که خود نیز دارای زیر طیف ها و انشعابات متعدد بودند چندان به گرایش های عمومی ملت (که برخاسته از اعتقادات دینی بود) به دنبال روشهای خود در مبارزه بودند و البته قلّت عِده و عُده آن نشان از بیگانگی آنان با ملت بود.

در سوی دیگر این طیف لیبرال ها قرار داشتند که البته خود را پایبند به سلطنت و قانون اساسی مشروطه می دانستند و از اعلی حضرت (!) استدعا داشتند به جهت حفظ و بقای تاج و تخت(!) تنها به سلطنت بپردازند و حکومت را به مجلسین بسپارند!

در این میان گروهی دیگر را نباید از نظر پنهان داشت و آن جریاناتی بودن که می کوشیدند با ترکیبی از علائق چپ یا راست گرایانه خویش با آموزه های دینی، رهیافتی جدید در سیاست و جامعه ارائه دهند تا بدین سان هم به زعم خویش از قافله پیشرفت و تمدن روز عقب نیفتند و هم خدا و دین را به کلی به صندوقخانه فراموشی نسپارند. در نتیجه آنچه که اینان ارائه می نمودند سویه ای جز التقاط نداشت.

در چنین شرایطی نهضت اسلامی ملت ایران به رهبری امام امت (ر ه) به پیروزی رسید و موجب سرنگونی کاخ ۲۵۰۰ ساله ستم شد و در یان حال بود که تعیین نوع نظام جایگزین مهمترین مناقشه گروهها و جریان ها بود. در این مقطع ناگهان دهها گروه سیاسی که تا پیش از این وجود خارجی نداشته و یا قلت عدد و برخورد دستگاه امنیتی رژیم پهلوی رمقی از حیات برایشان باقی نگذارده بود، سربرآروده و خواستار شراکت در حاکمیت جدید شدند.

با روشن شدن حکومت دینی به عنوان خواست ملت ایران گروهکهایی که علنا مرام از ضداسلامی برخوردار بودند به تخاصم با انقلاب پرداختند و در گوشه کنار کشور به تحریک قومیت ها و تضعیف نظام مشغول شدند. اما گروهکهایی که ظاهر اسلامی خود را با چاشنی التقاط تا حدودی حفظ کرده بودند همچنان ادامه حیات دادند تا آن که پس از اراده نمایندگان ملت در عزل بنی صدر، اینان که در قواره حامیان او ظاهر شده بودند دست به سلاح برده و جنگ مسلحانه بر علیه نظام و ملت به راه انداختند.

به تدریج با اتخاذ مواضع تروریستی و خرابکارانه دستگاههای امنیتی ناچار به برخورد با این گروهها شده و پس از فعالیت های اطلاعاتی عملیاتی پی در پی تا اواسط دهه شصت کشور را از لوث وجود این گروهکها پاک نمودند.

در این کتاب برآنیم تا به بازخوانی پرونده تعدادی از مهمترین این گروهکها بپردازیم. هرچند شایان ذکر است تعداد واقعی گروهکهای مخالف و معاند نظام در دهه اول انقلاب بسیار زیاد است، اما بیشتر این گروهک تنها بر روی کاغذ وجود خارجی داشته اند، به این معنا که تنها اثر به جای مانده از آن ها بیانیه و متون ایدئولوژیک شان است و تأثیرگذاری واقعی آنان در تاریخ این دهه بسیار ناچیز است. از این رو در این پژوهعش تنها به بررسی تعدادی از مهمترین این احزاب و گروهکها - که از حداقلی از اثرگذاری تاریخی برخوردار بوده اند- می پردازیم.

ذکر این نکته ضروری است که به دلیل آن که در مجلد دیگری به گروهک های «منافقین» و «فرقان» به صورت مبسوط و مجزا پرداخته خواهد شد، از پرداختن به این دو گروهک در این مجلد پرهیز نموده ایم.

ذکر نکته ای دیگری نیز ضروری است و آن این است که هیچ کلامی جز سخن خدا و ولی خدا از اشتباه و نقصان خالی نیست، ذکر نکات مفید و پیشننهاد و انتقادات سازنده خوانندگان محترم، موجب امتنان نگارنده خواهد بود.

واخر دعونا ان الحمدلله رب العالمین

محمدجواد اخوان